

حرکت تاریخی سریالی بازنشستگان و بلا تکلیفی سریالی اعتراضات معلمان در شرایط کرونایی

امیر جواهری نگرودی



مجله‌ی روز شمار کارگری هفته؛ نمای خبرهایی از تحرکات گوناگونی از اخبار مربوط به اعتراضات بازنشستگان و آموزشیان نهضت سواد آموزی را در کنار دیگر گروه‌های معلمان قراردادی و غیر رسمی و غیر استخدامی از جمله مربیان پیش دبستانی، معلمان خرید خدمت و طرحی یا حق التدریسی، در خود جای داده است.

نیک می‌دانیم مشکلات همواره وجود دارد ولی در زمانه‌ی بحران، همان مشکلات عادی به شکل برجسته‌تری خودنمایی می‌کنند. حرکات سریالی بازنشستگان و پیامد آن فراخوان خانه‌ی کارگر و به خیابان آمدن عوامل آن‌ها در شرایط سخت کرونایی، پرسش‌هایی را پیش‌روی ما قرار می‌دهد. همچنین پیگیری سیاست خصوصی‌سازی نظام آموزشی با آمدن کرونا، نمود و برجستگی بیشتری در پاسخگویی به وضعیت معلمان قراردادی و غیر رسمی از خود به‌جا گذاشته که می‌توان به شکل زیر فرموله نمود.

خصوصی‌سازی نظام آموزشی، خیل وسیعی از معلمان، کادر آموزشی، اداری و دفتری مدارس و به‌طور کلی نیروهای خدماتی را از ذیل مسئولیت پذیری و سکانداری دولت خارج کرده و آن‌ها را بدون رعایت یکسان سازی شرایط شغلی به کارفرمایان بخش خصوصی که عمدتاً آقا زاده‌ها و فرزندان سپاهیان و آیت‌الله‌ها است، واگذارده؛ خود را از زیر بار پاسخگویی خارج کرده است. ادامه‌ی این امر در وضعیت بحران گسترش یابنده‌ی کرونایی، نابرابری آموزشی و محروم‌سازی معلمان و کادر آموزشی از حقوق مسلم شغلی آن‌ها در برابر دولت و قانون را به وجود آورده است که تجمعات سریالی دوره‌ی اخیر، نشان از آن دارد. اما همین سطح برآمدهای خصوصی‌سازی نظام آموزشی، در مقابل آمارهای تا حال منتشره‌ی تعداد معلم‌های شاغل آموزش و پرورش که بیش از ۵۸ هزار و ۱۰۰ معلم را تحت عناوین مختلفی از جمله: خرید خدمت، حق التدریسی، قراردادی، سرباز معلم و پیش دبستانی تحت خدمت دارد، نشان می‌دهد با چه حجمی از اعتراض نیروی کار در موج سریالی تحرکات اعتراضی آنان در دور

جدید روبرو هستیم. باید در نظر داشت که در این میان اکثر معلمان، زن و بخش بزرگی از آن‌ها سرپرست خانواراند و سابقه‌ی کار برخی از این معلمان به ۱۵ سال می‌رسد.

امروز و در دل مرگ آفرینی ویروس کووید ۱۹ در سراسر کشور، بی‌سیاستی حاکمیت و اعمال سیاست‌های نابخردانه‌ی شخص اول نظام، در مقابل واکنش جامعه ما شاهد تکانه‌های وسیع و گسترده‌ی اعتراضات سریالی در جای جای کشور طی هفته‌های اخیر هستیم.

از جمله: تحرکات سریالی پرستاران و کارکنان بیمارستان‌ها، دوشنبه‌های کشاورزان اصفهانی، تحرکات سریالی کارگران شهرداری‌ها در برابر پیمانکاران، اعتراضات سریالی کارگران سهام عدالت کشور، اعتصاب کارگران پتروشیمی سنندج، اعتراضات سریالی کارگران راه آهن، اعتراضات سریالی کامیونداران در جای جای کشور، اعتراضات روستائیان به حقایق، تحرکات دور تازه کارگران هپکو، از رمق نیافتادن حرکات کارگران نیشکر هفت تپه، تحرکات سریالی کارگران پالایشگاه‌ها و آغاز حرکات کارگران و کارکنان نفتگر... مجموعه‌ی این اعتراضات رو به گسترش نشانگر آن است که نیروهای مطالبه‌گر دریافته‌اند که: «فقط کف خیابون، به دست میاد حقمون» و تداوم اعتراضات در خیابان اسن که پاسخگوی حق آنان در دوران سخت کرونایی است.

با این وجود باید پرسید: آیا مسیر ادامه‌ی تحرکات زنجیره‌ای و سریالی خیابانی همچون گذشته، با تعرض روبرو نمی‌گردد؟ با ارزیابی از آنچه پیش‌روی ماست، باید نگاهمان را نسبت به شرایط کرونا دستخوش تغییر قرار دهیم و واقعیت این مرحله از اقدامات نیروهای مطالبه‌گر را در دوران دشوار کرونایی در کف خیابان‌ها را دریابیم. باید تحلیل‌مان را درباب حضور عوامل خانه‌ی کارگر و نیروی اجرایی آن، شوراهای اسلامی کار، و آمدنشان به خیابان را مورد پرسش قرار دهیم که چرا در این مرحله از مبارزه، موج سواری می‌نمایند و به نعل و میخ می‌زنند؟

نکته‌ی قابل مکت آن که حسن صادقی، چماقدار شناخته شده‌ی خانه کارگر که امروز خود را کباده‌کش خانه کارگر و «رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری» می‌نامد، طی نامه‌ای به قالیباف، رئیس مجلس که خود او نیز در لاف زنی دست کمی از اولی ندارد، اعلام می‌کند: «آقای قالیباف به‌جای سفرهای استانی بودجه ۱۴۰۰ را بررسی کنید. سهم تامين اجتماعي از بودجه را بازنگري کنید تا فردا کارگران بازنشسته در خیابان رژه نروند...» (۱)

باید گفت: شما که از رژه رفتن سریالی بازنشستگان مطالبه‌گر در خیابان، مو بر تن‌تان سیخ می‌شود؛ چه شده که پیش‌دستی می‌کنید و برای ششم بهمن، بازنشستگان را به خیابان می‌کشانید و با عربده‌کشی در خیابان دو دزده بازی کرده تا در پی گل آلود کردن آب به ماهی‌گیری برآئید؟ از یک سو اعلام کرده: «ما شاهد نظام آپارتاید دستمزد هستیم. اگر علی‌ابن ابوطالب زنده بود، گردن برخی از مسئولان جمهوری اسلامی را می‌زد.» یعنی باید سر مسئولین را با شمشیر علی زد و از سوی دیگر، جاده را برای وعده‌های

نوبخت و سازمان برنامه و بودجه کذایی دولت صاف می‌کنید! می‌خواهید با ورشکستگی تمام اعلان کنید که توده‌های عظیم بازنشستگان به شکل مستقل نقشی در تصمیم‌سازی‌ها ندارند و این شما هستید که از بالا همه‌ی امور را سازمان می‌دهید؟ امروز بر توده‌ی بازنشستگان و همه‌ی آنانی که در کف خیابانند مشخص است، که «این ممه را لولو برد» و حنای شما برای آنان رنگی ندارد!

آقایان امروز جنبش خیابانی از لحاظ فکری به تحول تازه‌ای دست یافته است؛ خود رهبر خود است و می‌تواند شما و دولت‌تان را پیاده کند و شکل تعرض مبارزه را جایگزین وضعیت دفاعی خویش سازد و همه‌ی شما را جا بگذارد.

حرکت روز هفتم بهمن نشان داد زنجیره‌ای بودن تجمعات و یا ادامه‌ی سریالی تجمعات بازنشستگان، مسیر حرکت را برای همگرایی بیشتر بخش‌های مختلف اردوی کار و زحمتکشان هموار کرده است. سندیکای کارگران شرکت واحد، سندیکای نیشکر هفت تپه، کمیته‌های هماهنگی و پیگیری، شبکه‌های فلزکار مکانیک و کانون‌های صنفی، حضور قدرتمند زنان و فرزندان آنان، دانشجویان و... که به شکل فعال از فراخوان هفتم بهمن حمایت کرده بودند، نشان‌دهنده‌ی این موضوع است. حتی بخش‌هایی از نیروی پایه‌ی خانه کارگری در هر دو روز تجمعات شرکت کردند. به طوری که می‌توان نوشت: جنبش بازنشستگان به پایه‌ای برای اتحاد جنبش‌های دیگر تبدیل و باعث افزایش مضمونی اعتراضات و مطالبات در بخش‌های گوناگون جنبش کارگری شده است.

با توجه به موج وسیع تحركات سریالی، با توجه به حرکت‌های قبلی معلمان، پرستاران، فولاد، هپکو، هفت تپه، شرکت واحد، معادن، پتروشیمی و گاز و نفت است که امروز می‌شود گفت در کشوری با این حدّ از سرکوب، بهتر از این نمی‌شود حرکت‌های اعتراضی سازماندهی شده و مستقل داشت. حرکت‌هایی که با بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی و ایجاد اطاق‌های فکر به خودسازماندهی خویش برآمده، عاقلانه و تنظیم شده، نیرو بسیج می‌نمایند، یا بهتر بگوییم نوع عالی و جدیدی از سازماندهی بوجود آورده‌اند که افقی خودگردان از توانایی، آگاهی و نظام مترقی زحمتکشان کشور را نوید می‌دهد.

در ادامه‌ی تحركات سریالی این دوره، صدها تن از پذیرفته‌نشدگان آزمون استخدامی آموزشیاران نهضت سواد آموزی، دو شب را در خیابان‌ها و پارک‌ها و اماکن متبرکه شهر تهران سپری کردند و صبح با طلوع آفتاب، در اعتراض به نامشخص بودن وضعیت شغلی خود و همچنین مصوبه‌ای که در کمیسیون آموزش مجلس برای برگزاری آزمون مجدد آن‌ها در حال پیگیری است، مقابل ساختمان مجلس به تجمع اعتراضی‌شان ادامه دادند و گفتند: اگر پاسخ دریافت نکنیم، باز هم می‌مانیم! (مجله روز شمار کارگری هفته)

امروز مشخص شد که با ادامه‌ی بلاتکلیفی، تجمع دیگر باره‌ی معلمان را ایجاب کرده و در این میان علاوه بر بلاتکلیفی معلمان نهضت، معلمان حق‌التدریس و مربیان پیش‌دبستانی نیز مدت‌هاست که منتظر اجرای قانون تعیین تکلیف وضعیت استخدامی‌شان‌اند.

نباید تردیدی به خود راه بدهیم که موج جدید سریالی تحرکات خیابانی در شرایط بس سخت و سهمناک کرونایی به صف وسیع تر همپوشانی و همگرایی بیشتری از دور پیش نیاز دارد. نمی‌توان معلمان حق‌التدریسی و آموزش‌پاران نهضت سواد آموزی را به حال خود رها ساخت که در تهران، ایزده، یزد، اصفهان، الشتر لرستان و سیرجان، باغملک خوزستان، گرگان، آبادان یا اینجا و آنجا به خیابان آیند و صدای‌شان شنیده نشده و تشکل‌های شناخته شده، کانون‌ها و انجمن صنفی معلمان استخدامی، به هر دلیلی از آن‌ها به حمایت بر نخیزند!

غیبت کانون‌های صنفی معلمان در حمایت از حق‌التدریسی‌ها علیرغم وجود کانون‌های صنفی معلمان در سراسر کشور که پیگیر مطالبات معلمان می‌شوند، باعث شد حمایت و پیگیری چندانی از جانب این کانون‌ها در قبال وضعیت معلمان حق‌التدریسی و نهضت نشود. این تجمع‌های زنجیره‌ای و سریالی با استفاده از ظرف کانون‌های صنفی معلمان می‌توانند متحدتر و با دستاورد بیشتر پیگیری شوند. متشکل کردن معلمان - چه رسمی و چه غیررسمی - در این تشکل‌ها از یک طرف اتحاد میان معلمان را افزایش داده و از ایجاد رقابت و شکاف میان آنان جلوگیری می‌کند و از طرف دیگر قدرت جمعی آنان را همچون سایر بخش‌های طبقه‌ی کارگر برای احقاق حقوق خود و مقاومت علیه خصوصی‌سازی تقویت می‌کند.

در یادداشت پیشینم با عنوان: «اعتراضات مستمر گروه‌های مختلف معلمان در برابر مجلس، نیازمند حمایت گسترده است» در جمع‌بست آن اعتراضات به چند نکته اشاره داشته و آورده‌ام: «... شرط مقابله موثر با تبعیض ساختاری شده در میان لایه بندی‌های مختلف مزدی معلمان، تبدیل مطالبه امنیت شغلی به محور همبستگی صنفی همه گروه‌های معلمان است. همین مطالبه است که می‌تواند نهضتی، حق‌التدریسی، سرباز معلم، دانشجو معلم و خرید خدمتی را با معلم استخدامی در صنفی مشترک علیه تبعیض و بی‌حقی در آموزش و پرورش متحد کند.» و دیگر اینکه «... نه فقط فرهنگیان، که بازنشستگان، کارگران، کارکنان و حقوق‌بگیران بخش‌های مختلف اقتصاد کشور در حمایت و همبستگی با گروه‌های حداقل بگیر و بی‌ثبات کار فرهنگیان ذینفع‌اند، زیرا پاره پاره کردن اشتغال در مشاغل دارای ماهیت مستمر، شکل دادن به لایه‌های محروم‌تر مزدی، ایجاد دسته‌بندی میان فعالان صنفی و جلوگیری از وحدت صنفی آنان برای درهم شکستن هر چه بیشتر مزد و مزایا و برده‌دارانه‌تر کردن شرایط اشتغال، نپرداختن دستمزدها و حق بیمه‌ها، شتری است که پشت در همه بخش‌های اقتصاد کشور و همه مزد و حقوق بگیران خوابیده است» (۲)

چنانچه حرکت گروه‌بندی‌های گوناگون معلمان را در کنار حرکت سریالی بازنشستگان، و دیگر گروه‌های اعتراضی قرار دهیم، نشان می‌دهد که با همه‌ی دشواریهایی که کرونا بر حوزة زندگی همه آحاد جامعه فراهم آورده، نتوانسته راه را برای مطالبات به حق معیشتی بر آن‌ها بر بندد...

(۱) - (خبرگزاری ایلنا، گفتگوی پیام عابدی با حسن صادقی، ۲۱ دی ۹۹)

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1022264>

(۲) - (امیرجواهری لنگرودی، اعتراضات مستمرگروههای مختلف معلمان در برابر مجلس ، نیازمند حمایت گسترده است، شهریور ۱۳۹۹)

<http://karegari.com/maghalat/2020/09/13/Yaddashat%20Kargari%2013%20Sep%202020.pdf>

=====

**روزشمار کارگری هفته شماره ۴۳ را از سایت روزشمار کارگری
،لینک زیر می توانید دنبال کنید!**

<http://karegari.com/maghalat/2021/01/30/Roozshomar%20kargari%2043%20AmiR.pdf>